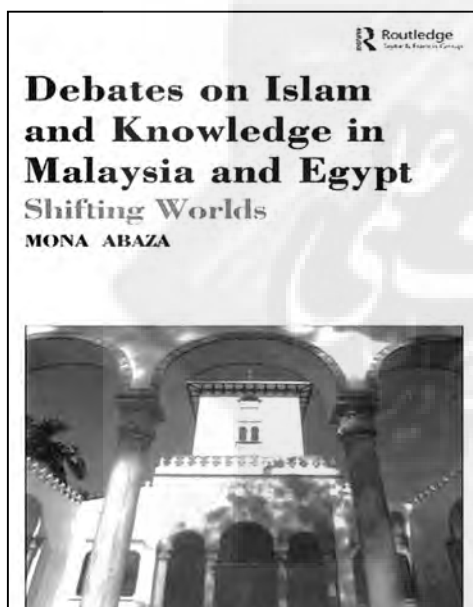


## ایمان و علم<sup>۱</sup>

مُنَى ابَاظه<sup>۲</sup>

ترجمه امیرمحمد گمینی<sup>۳</sup>

### قرآن و علم



از زمان مناظره‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی و ارنست رنان، نقش علمی مسلمانان در دوران پرشکوه گذشته و اینکه چگونه روح علمی و ایمان دینی را می‌توان با هم پیوند داد، یکی از موضوع‌های جالب برای همه است. رنان ضمن اظهار نظرهای نژاد پرستانه‌ای گفته بود مسلمانان از داشتن ذهن علمی ناتوانند و همین امر اسدآبادی را بر آن داشت که به او پاسخ دهد. از آن زمان تا کنون بحث اسلام و علم در جوامع اسلامی از حلقه کوچک استدلال‌های اسدآبادی فراتر رفته است. می‌دانیم که سوءتفاهم‌هایی درباره خصوصیت بین دین و علم وجود دارد و

کشمکش میان این دو حوزه لزوماً به آن خشونت‌هایی که اغلب گمان می‌شود، نبوده است و حالا می‌توانیم به موضوع دین و مدرنیته برسیم. آیا این ارنست ترولش<sup>۴</sup> نبود که سکولاریزم مدرن را نوعی انتقال فرهنگی از صور ارزش‌گذاری مسیحیت پروتستان می‌دانست؟ بنابراین تلاش برای پیوند حوزه علم با دین دغدغه‌ای غربی بوده است. پیش از آن که اسلامی‌کنندگان بخواهند علوم را

۱. ترجمه‌ای است با تلخیص از مقاله زیر:

Abaza, Mona; "Faith and Science", in *Debates on Islam and Knowledge in Malaysia and Egypt, Shifting Worlds*, Routledge Curzon Press, UK. 2002.

۲. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آمریکایی قاهره moabaza@aucegypt.edu

۳. عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ علم، دانشگاه تهران gaminiamir@gmail.com

4. Ernst Troeltsch

اسلامی کنند، اینیاز گلدزیهر،<sup>۱</sup> خاورشناس مجار، تأکید می‌کرد که یهودیت و اسلام اولیه، مذاهب علمی هستند. گلدزیهر با این ادعا خود را در برابر جماعت یهودیان سنت‌گرای بوداپست نیز قرار می‌داد. وی علمی‌سازی مذهب سنتی را ابزاری برای رهاسازی بورژوازی مدرن می‌دانست [بنابراین اسلامی‌سازی علم را اول بار او شروع کرده بود - م].

وقتی سخن از علم و دین باشد، چگونه می‌توان مناظره‌اسدآبادی - رنان را نادیده گرفت؟<sup>۲</sup> با این حال مشکل بتوان سخن نویی به آن مناظره افزود، به ویژه پس از آثار پژوهشی قوی آلبرت حورانی،<sup>۳</sup> نیکی کدی و هیشم جیت.<sup>۴</sup> البته باید اشاره شود که تصادم میان علم و دین اغلب به صورت کلیشه‌تقابل «خود» و «دیگری» پوزیتیویست دیده شده است و کسانی که به دنبال اسلامی‌سازی دانش هستند به همراه اسلام‌گرایان استدلال‌های مشابهی را به کار می‌برند. ایشان موضعی تدافعی به خود می‌گیرند و در پاسخ استدلال می‌کنند که اسلام با علم سازگار است و دینی علمی به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد اینان در مناظره قدیمی قرن گیر افتاده‌اند. آنچه در این میان برای ما می‌تواند جالب باشد آن است که ادوارد سعید در کتاب فرهنگ و امپریالیزم دائماً از نظرگاهی جدید به مناظره اسدآبادی - رنان اشاره می‌کند و آن را مثالی می‌داند از این که چگونه انسان «بومی» برای آن که شنیده شود، باید از زبانی که توسط حریف غربی‌اش ساخته و پرداخته شده است، استفاده کند. در واقع اسدآبادی، مشابه وکلای هندی اواخر قرن نوزدهم میلادی، باید در فضایی فرهنگی که با غرب مشترک است، پیروز شود.<sup>۵</sup>

رنان به افول معاصر کشورهای مسلمان اشاره می‌کرد و با نوعی سختگیری و نژادپرستی، اسلام را پایین‌تر از یهودیت و مسیحیت قرار می‌داد. دلایل رنان، همان‌طور که حورانی می‌گوید، به ناسازگاری اسلام و علم منجر می‌شود. با این حال جیت سخنان رنان را لزوماً به معنای مخالفت با اسلام تفسیر نمی‌کند، بلکه معتقد است که رنان اسلام را سطح پایین جلوه می‌دهد. در واقع رنان فقط با اسلام مشکل ندارد بلکه دیدگاه پوزیتیویستی‌اش وی را در برابر همه ادیان، به ویژه مذهب کاتولیک، قرار می‌دهد.

1. Ignaz Goldziher

۲. ارنست رنان، زبان‌شناس و خاورشناس برجسته فرانسوی (د. ۱۸۹۲) کنفرانسی با عنوان «اسلام‌گرایی و علم» برگزار کرد و معتقد بود اسلام دلیل اصلی توقف علم و اندیشه شرقی است. رنان فکر می‌کرد که نژاد عرب به فلسفه یونان و فعالیت عقلی تمایلی ندارد و تنها علمی که اعراب ایجاد کردند زبان و شعر بوده است. در واقع در تمام مدتی که اسلام تحت حکومت اعراب بود (یعنی دوران خلفای راشدین و امویان) هیچ نهضت علمی‌ای شکل نگرفت و تنها زمانی که عباسیان با عناصر ایرانی و هندواروپایی آشنا شدند، فلسفه جریان یافت. چنین اظهارنظرهایی به مناظره دامن زد و اسدآبادی به عنوان یک اسلام‌گرا و بنیان‌گذار نهضت نواندیشی دینی، نظرات رنان را در مجله فرانسوی لومونیتور رد می‌کرد (Le Moniteur (Paris: Collection Esprit, 1974).

3. Albert Hourani (1915-1993)

4. Hichem Djait

5. Edward Saïd, *Culture and Imperialism* (London: Vintage, 1993, p. 317).

آنچه در اینجا اهمیت دارد آن است که بر خلاف دیدگاه اسلامی سازان دانش که از سخنان اسدآبادی سوء استفاده می‌کنند، وی به طور تناقض آمیزی با رنان موافق است که همه ادیان در عدم تساهل مشترکند و «موفقیت مسیحیان و افول علمی کشورهای مسلمان هیچ ربطی به مذاهب ایشان ندارد.» از این منظر اظهارات اسدآبادی هیچ وقت به اندازه امروز بد فهمیده نشده است.



مونا ابازا

از طرف دیگر امروزه اسلامی سازان دانش به تفاوت‌های فرهنگی اشاره می‌کنند و معتقدند که در اسلام هیچ دشمنی‌ای میان دین و علم وجود نداشته است. این استدلال معقولی است زیرا در حالی که تفتیش عقاید در غرب جریان داشت، حاکمان باعث شکوفایی علم در جهان اسلام شدند. ولی اسلامی سازان از این موضوع برای نفی عواقب سیاسی قدرتمند شدن طبقه علمای مذهبی و موانعی که در تولید و مدیریت علم پدید آمد، استفاده می‌کنند.

علاوه بر این در سال‌های اخیر برای عرضه تفسیری از قرآن که هماهنگ با پژوهش‌های علمی باشد، تلاش‌های بسیاری شده است. بعضی مسلمانان تلاش کردند آیات قرآن را طبق انواع علوم طبقه‌بندی کنند (مثلاً آیات علوم طبیعی، زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی) و یا موضوعاتی چون اقتصاد و اخلاق. حتی بعضی‌ها تعداد دفعاتی را که اصطلاح «اتم» در قرآن ذکر شده است، می‌شمرند زیرا معتقد بودند همه کشفیات علمی جدید را می‌توان در متون مقدس یافت تا اعجاز علمی قرآن را نشان دهند.<sup>۱</sup> بعضی‌ها فهرستی از مواردی که کلمه «علم» در قرآن آمده است عرضه می‌کردند تا نشان دهند اسلام هیچ‌گاه با علم (= science) مخالف نبوده است. بعضی‌ها استدلال می‌کنند که نظریه سرعت نور اشاره به حرکت ملائکه دارد. ما حتی شاهد وجود مهندسان، زیست‌شناسان و ریاضیدانان مسلمانی هستیم که پس از سال‌ها تحصیل در کشورهای غربی، به ایمان جدیدی دست پیدا می‌کنند و موعظه‌های مذهبی را با مباحث علمی می‌آمیزند. بعضی‌های دیگر هستند که چشم‌انداز تخصصی علمی را با تمایلات صوفیانه ترکیب می‌کنند. دیگرانی هستند که می‌خواهند کارکرد امام جماعت بودن را با یک دانشمند مسلمان خوب بودن

۱. اخیراً در قاهره همایشی با عنوان «الاعجاز العلمی للقرآن» برگزار شد حول این موضوع که آیا کشفیات علمی اخیر باید در قرآن یافت شود یا نه. بعضی از پژوهشگران معتقد بودند که چنین توقعی فراتر از توان قرآن است و بعضی دیگر مدعی بودند که چنین کشفیاتی آموزه‌های قرآنی را به خطر نمی‌اندازد.

بیامیزند، مانند بعضی تحصیلکردگان مؤسسه کشاورزی بوگور و مؤسسه فناوری در باندونگ اندونزی. انتشارات مجله الازهر در قاهره درباره علوم قدیم و دانشمندان مشهور در اسلام را هم نباید فراموش کرد. به همین ترتیب می توان به نوشته های بنت الشاطی (که دیدگاه های مذهبی حکومت [مصر] را بیان می کند) و عمومی سازان دانش در روزنامه نیمه رسمی مصری الاهرام اشاره کرد که به معرفی منجمان، زمین شناسان و فیلسوفان مسلمان می پردازد. جالب است که امین الخولی، شوهر قبلی بنت الشاطی، از اولین کسانی بود که تفسیر علمی قرآن به معنای استخراج همه رشته های علمی از متن مقدس را نفی می کرد. از منقدان متأخر چنین تفاسیری که سر از حقه بازی در می آورند، می توان به کامل حسین اشاره کرد. در سال های اخیر پدیده «شیخ ها» یا چنان که مشهور است در مانگران شفا بخش که از قرآن خواندن به عنوان یک روش درمانی استفاده می کنند، گسترش چشمگیری داشته و مناظره های داغ بسیاری را در رسانه ها ایجاد کرده است. در مصر زمان سادات اصطلاح «علم و دین» در برنامه ای که توسط مصطفی محمود<sup>۱</sup> ساخته می شد اسلام رسمی را رسانه ای کرد تا در برابر گروه های مسلمان مخالف قد علم کند. همه اینها تنها پیش درآمد استفاده ابزاری از قرآن بود.

موازی با انتشار آثاری درباره ایمان، قرآن و علوم، آثاری نیز در رد نظریه تکامل در زمین آماده به کشت کشورهای اسلامی ریشه دواند. دانشمند مالزیایی، عثمان بکار، کتابی از مجموعه مقالات سید حسین نصر و دیگران در نقد نظریه تکامل و ویرایش و منتشر کرد با عنوان تکامل: یک مهمل متافیزیکی. البته نقد نظریه تکامل در حلقه های علمی غربی نیز در جریان است. مثلاً می توان به اعضای فعال مسیحی جامعه علمی در امریکا و مخصوصاً جنبش مسیحیان پروتستان که خود را آفرینش گرا می خوانند اشاره کرد. ایشان نظریه داروین را نفی می کنند زیرا معتقدند نظریه تکامل گونه ها با مفهوم آفرینش در کتاب مقدس تعارض دارد. جنبش آفرینش گرایی را می توان تلاشی برای گسترش فرهنگ مذهبی در جامعه علمی دانست. چنین تمایلاتی در کتاب بکار نیز دیده می شود که در آن مقالاتی از متألهان و دانشمندان مسیحی و مسلمان وجود دارد که نشان از تأثیرگذاری گفتمان مسیحی بر اسلام گرایان دارد. بنابراین هر چند دانشمندان طبیعی ممکن است موضعی طعنه آمیز در برابر تفسیر ظاهرگرایانه آفرینش گرایی از متن مقدس و تطبیق آن با واقعیت داشته باشند، که خود محصول دوران مدرنی است که ایشان چه مسیحی و چه مسلمان منتقد آنند، چنین جنبشی را می توان دعوایی بر سر واقعیت بین علم و الهیات دانست.

۱. مصطفی محمود، یک کمونیست تازه مسلمان شده بود که در اواخر دهه هفتاد یک مسجد و بیمارستان در محله مهندسین قاهره تأسیس کرد.

شبهات‌های بسیاری در نهضت‌های روبه رشد انتقاد از نظریهٔ تکامل در مصر،<sup>۱</sup> ترکیه، پاکستان و مالزی می‌توان دید. ایجاد نهضت بیداری اسلامی با جریان نقد علم غربی همراه است. کوشش عثمان بکار برای جمع‌آوری انتقادات علمی مسیحی و اسلامی از نظریهٔ تکامل باید با دقت از دیدگاه دینی ارزیابی شود، زیرا قصد مسلمانان دست‌یابی به فضایی در حوزهٔ فلسفهٔ علم است. به هر حال باید به تأثیر دراز دامنهٔ این تمایلات بر پژوهش‌های علمی جهان سوم توجه کرد. در مصر احمد عبدالمعطی حجازی و م. رضا محرم عواقب مضر این موضوع را نشان داده‌اند و به ذکر اثرات بلند مدت و حقه‌بازی‌های مرتبط با دید منفی نسبت به پژوهش‌های علمی پرداخته‌اند.<sup>۲</sup> پرویز هودبوی در کتابی با نام اسلام و علم<sup>۳</sup> از علم به عنوان یک حرفهٔ غیردینی دفاع می‌کند و از تشکل دانشمندان پاکستانی انتقاد می‌کند که وظیفهٔ «اسلامی‌سازی همه چیز» را تا جایی به عهده گرفته‌اند که «ادعای کشفیات عجیب و غریبی را دارند.»

### حقه‌بازی و علم

جامعهٔ علمی تا چه حد می‌تواند به حقه‌بازی میدان بدهد؟ بعضی‌ها استدلال می‌کنند که در تاریخ علم مرز میان جادو، کیمیاگری و علم همیشه بسیار باریک بوده است. با وجود این باید میان علوم جادویی، فرهنگ عمومی و حقه‌بازی تمایز قائل شویم. گفته شده است که مثلاً در کیمیاگری سده‌های میانه پزشکان، دانشمندان و عارفان طبیعی و حقه‌بازان حضور داشتند. آلبرت کبیر کیمیاگری را فنی نوین می‌خواند. علم شیمی به اتکای کیمیاگری بود که توانست متولد شود. می‌توان نشان داد که شاخه‌ها و معتقدات مربوط به جادوی سیاه و علوم خفیه، هر چند به طور حاشیه‌ای، در اروپای معاصر همچنان ادامهٔ حیات داده‌اند و در وسط دنیای مدرن جایی برای زندگی یافته‌اند.

به نظر می‌رسد، دربارهٔ علوم دقیق، مرز میان علم و حقه‌بازی نزد اسلامی‌سازان دانش بسیار باریک می‌شود. میل دارم بین صور گوناگون فرهنگ و دانش عامه در دنیای اسلام یعنی شیخ‌هایی که جادو و دانش مذهبی را با هم می‌آمیزند، و اسلامی‌سازان معاصر که معمولاً تحصیل‌کردهٔ دانشگاه‌های غیردینی و فنی غرب هستند و می‌خواهند علوم کامپیوتر، زیست‌شناسی و پزشکی را دینی کنند، تمایز قائل شوم.

۱. مصطفی محمود به عنوان یک اسلام‌گرای ضد مارکسیسم در دوران حکومت سادات همسو با فعالیت‌های مذهبی روبه رشد حکومت، روی بعضی فیلم‌های علمی مستند غربی حرف می‌زد. برنامه‌های محمود به دلیل اظهارنظرهایی که بر علیه نظریه داروین و تأکید بر خلقت الهی موجودات زنده بیان می‌کرد بسیار جلب نظر کردند. دیدگاه‌های فروکاستگرایانه و خام‌اندیشانهٔ وی دربارهٔ مارکسیسم و اسلام باعث شد که بسیاری از تحصیل‌کردگان آن دوران وی را به حقه‌بازی و ضدعقلگرایی متهم کنند.

۲. پرویز هودبوی از یک دانشمند سودانی نام می‌برد که به دلیل تدریس نظریهٔ تکامل در سودان آزار دید.

۳. این کتاب با همین عنوان و به ترجمهٔ پیمان متین و اسکندر قربانی از سوی مؤسسهٔ تحقیقات و توسعهٔ علوم انسانی در سال ۱۳۸۴ منتشر شد، ولی ظاهراً پس از مدتی آن را جمع کردند.

پرویز هودبوی از اولین کسانی بود که پوچی کنفرانس‌هایی با اسامی پرطمطراقی مثل «همایش بین‌المللی معجزات علمی قرآن و سنت» را مطرح کرد؛ کنفرانسی که رئیس جمهور محمد ضیاءالحق در اسلام‌آباد<sup>۱</sup> در ۱۸ اکتبر ۱۹۸۷ برگزار کرد. هودبوی که فیزیکدان دانشگاه قائد اعظم پاکستان است، فهرستی از انواع مقالات عرضه شده در کنفرانس معجزات علمی تهیه کرد تا خطر وجه غیرعقلانی این جریان را نشان دهد. علاوه بر مقالات عرضه شده، میزگردی وجود داشت با عنوان «چیزهایی که فقط خدا می‌داند.» هودبوی استدلال می‌کند که چیزی به نام «علم اسلامی» وجود ندارد، چرا که علم جهانی است. مثلاً در پاکستان سیاست‌گذاری اسلامی‌سازی علم تا جایی پیش رفته بود که سطح پایین آموزش در کشور را مخفی می‌کرد و دانشمندانی را که با حاکمیت همراهی نداشتند در معرض تبعیض سیاسی قرار می‌داد. بدنام‌ترین رویداد در این میان فتوای شیخ عبدالعزیز بن باز، رئیس دانشگاه مدینه در عربستان سعودی بود که در سال ۱۹۸۲ جایزه بین‌المللی خدمت به اسلام ملک فیصل را بُرد. وی کتابی نوشت با نام الأدلة النقلیة والحسیة علی جریان الشمس وسکون الأرض (= دلایل نقلی و تجربی برای حرکت خورشید و سکون زمین).

در سال ۱۹۸۷، کارگاهی با عنوان «اسلامی‌سازی عملی و نظری در علم و فناوری» در واشنگتن برگزار شد و مقالات آن را «مؤسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی»<sup>۲</sup> منتشر کرد. در این مجموعه مقالات می‌توان دید که این اسلامی‌سازان علم چقدر در فن سرهم‌بندی استادند. آن‌ها یک رشته اصطلاحات و متون فنی بی‌ربط را از نمودارها و جداول پزشکی و علمی غربی بریده‌اند و عملاً به هم چسبانده و چند تا آیه از قرآن را با تفسیری ظاهری در کنارشان قرار داده‌اند. مقاله ابراهیم ب. سید درباره «اسلامی‌سازی عملی و نظری در جنین‌شناسی» مثال جالبی از سوءاستفاده از قرآن است. همچنین می‌توان به کتاب موريس بوكای با عنوان انجیل، قرآن و علم اشاره کرد که انجیل را در مقایسه با قرآن بی‌دقت و پراشتباه می‌داند و نتیجه می‌گیرد که قرآن بر خلاف انجیل یک کتاب علمی است. در واقع بوكای کوشش فراوانی برای تهیه فهرستی از کشفیات علمی قرآن بذل می‌کند. «تحصیل‌کردگان مسلمان جدید» نیز از او پیروی می‌کنند و آیات جنین‌شناسی، کشاورزی و کالبدشناسی قرآن را برمی‌شمارند. عادل بکر با اشاره به آیاتی از قرآن که درباره آب، اقیانوس، آسمان و باد سخن می‌گویند، می‌خواهد دیدگاهی اسلامی به علوم زمین عرضه کند. مقاله‌ای دیگر از محمد اسحاق زاهد، می‌خواهد «کاربرد عقاید و مبانی اسلامی را در تحصیل ریاضیات و علوم کامپیوتر» نشان دهد و مثال‌هایی از منطق نمادی، ساختارهای داده و برنامه‌نویسی به زبان پاسکال بر اساس سوره عصر می‌آورد. نتیجه چیزی جز یک آش شله‌قلمکار از منطق نمادی و عقاید

۱. این همایش با همکاری دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد و سازمان معجزات علمی در مکه برگزار شد.

2. International Institute of Islamic Thought (IIIT)

اسلامی نیست. به زعم او نقش دانشمند مسلمان در کاربرد منطق آن است که کافر را از مؤمن تشخیص دهد. اما معلوم نیست کاربرد چنین تشخیصی قرار است چه باشد. هدف مؤلف آن است که به مرتبه بالای روحانی دست یابد.

زاهد اصول دین را در کامپیوتر چنین برنامه‌نویسی کرده است:  
 خدا: ایمان به خدا که مطلقاً شریکی در الوهیتش ندارد.  
 پیامبر: ایمان به پیامبران خدا و محمد به عنوان آخرین فرستاده‌اش.  
 به همین ترتیب می‌توان مفاهیمی چون قرآن، ملائکه و آخرت را تعریف کرد. آنگاه گزاره ایمان را می‌توان چنین تعریف کرد:

$$i = \text{آخرت} \wedge \text{ملائکه} \wedge \text{قرآن} \wedge \text{پیامبران} \wedge \text{خدا} = i$$

بنابراین ایمان فصل مشترک ایمان به خدا، همه پیامبران و غیره است. گزاره  $r$  را نیز که نشان دهنده واجبات دین است می‌توان چنین نوشت:

$$r = \text{حج} \wedge \text{روزه} \wedge \text{زکات} \wedge \text{نماز} = r$$

و گزاره  $p$  که نشان دهنده دعوت [به دین] است به این صورت نمایش داده می‌شود:

$$p = \text{نهی از منکر} \wedge \text{امر به معروف} = p$$

اینکه چنین اظهاراتی تحقیر آیین عبادی و علوم کامپیوتر است، حرف جدیدی نیست، ولی معلوم نیست عواقب عملی اشاعه چنین سخنانی چه می‌تواند باشد. نتایج عملی این گونه انتشارات به اصطلاح علمی هم معلوم نیست. با این حال «مؤسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی» چنین آثاری منتشر می‌کند و باید با توجه به گسترش بازارهای کتاب در این باب بیشتر تأمل کرد.





## مطالعات غربی درباره کارهای کوشیار گیلانی\*

یان پ. هوخندایک<sup>۱</sup>

ترجمه مرضیه شمس یوسفی<sup>۲</sup> و محمد باقری<sup>۳</sup>

### ۱- مقدمه

بین قرن دهم تا سیزدهم میلادی (چهارم تا هفتم هجری)، بخش قابل توجهی از دانش ریاضی و نجوم جهان اسلام به اروپای مسیحی منتقل شد. این انتقال به طور عمده در بخش غربی جهان اسلام، یعنی اندلس (جنوب اسپانیای امروزی) و سیسیل رخ داد. آثار منتقل شده را در سه بخش می‌توان دسته‌بندی کرد: ترجمه عربی متون یونانی باستان، آثار نویسندگان متعلق به سنت غرب جهان اسلام و کارهایی که در شرق جهان اسلام نوشته شده بود. بسیاری از آثار در بخش سوم، چند قرن پیش‌تر نوشته شده بود و زمانی که در جهان اسلام غربی به لاتینی ترجمه شد، در شرق جهان اسلام قدیمی تلقی می‌شد. به عنوان مثال جبر و حساب خوارزمی (حدود ۸۳۳م/۲۱۸ق)، جوامع علم النجوم فرغانی (۸۵۰م/۲۳۵ق)<sup>۴</sup> و زیج بتانی (درگذشته ۹۲۹م/۳۱۷ق)<sup>۵</sup>. تقریباً چیزی از آثار ریاضی نویسندگان اسلامی شرقی بعدی به غرب منتقل نشد. شاید رساله نور شناخت ابن هیثم که در حدود ۱۰۳۰م/۴۲۰ق در قاهره نوشته شد، تنها استثنا باشد. به نظر می‌رسد که دانش از بخش‌های شرقی جهان اسلام، مانند ایران و عراق، بسیار به آرامی به سیسیل و اندلس رسیده یا

\* متن سخنرانی عرضه شده در مرکز کوشیارشناسی دانشگاه گیلان در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۴. صورت اولیه‌ای از این ترجمه در نشریه کوشیار (نشریه دانشجویی دانشکده ریاضی دانشگاه گیلان) سال ۴، شماره ۴، ص ۱-۲۰ انتشار یافته است.

۱. استاد دانشگاه اوترخت (هلند)، عضو وابسته هیئت علمی پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران، عضو هیأت تحریریه نشریه تاریخ علم دانشگاه تهران، مشاور علمی نشریه میراث علمی j.p.hogendijk@uu.nl

۲. استادیار گروه ریاضی محض دانشکده علوم ریاضی دانشگاه گیلان m.shams@guilan.ac.ir

۳. تاریخ نگار ریاضیات و نجوم، سردبیر میراث علمی mohammad.bagheri2006@gmail.com

۴. جوامع علم النجوم او توسط یوحنا اشبیلی در حدود ۱۱۳۵ م و دوباره توسط گرارد کرمونایی حدود ۱۱۷۰ م از عربی به لاتینی ترجمه شد. این اثر پیش از قرن هفدهم در فرارا ۱۴۹۴ م، نورنبرگ ۱۵۳۷ م، و فرانکفورت ۱۵۹۰ م چاپ شد، آخرین چاپ بر یک ترجمه عبری از سده های میانه استوار بود.

۵. زیج او در قرن دوازدهم میلادی از عربی به لاتینی ترجمه شد. این اثر همراه با اثر فرغانی در نورنبرگ در سال ۱۵۳۷ م و بار دیگر در بولونیا در سال ۱۶۴۰ چاپ شد.